ادامه از صفحه ۲

گفتمان‌محوری گام دوم جبهه اصلاح‌طلبان

یکی دیگر از لازمه‌های کارآمدی دولت در ایران شکسته‌شدن شدت تمرکز موجود و پذیرش نظام حکمروایی شهری ذیل نظام حکمروایی ملی و تحول شهرداری‌ها به دولت‌های محلی زیر دولت ملی است. در غیاب این فهم هویت‌های محلی، رقابت‌پذیری شهری و ایجاد شرایط برای بسط دموکراسی ناممکن می‌شود. در انتخابات ۱۴۰۰ با پیگیری هم‌زمان این هدف و هدف دموکراسی ملی باید بین انتخابات شوراها و ریاست‌جمهوری هم‌افزایی ایجاد کرد.

فضای انتخابات بسیار سرد شده است و اکثریت جامعه خاموشی را برگزیده‌اند. ازاین‌رو تأکید و تکیه بر اصالت گفتمانی، نقد مسئولانه راه طی‌شده و صداقت در رویارویی با مردم است. حرکت در حاشیه هیچ جذابیتی برای جذب این اکثریت خاموش برای ورود به صحنه و ایجاد امیدواری برای امکان‌پذیربودن تحول ندارد. این تنها گفتمان تحول‌خواه است که با فهم مسئله ایران و همدلی و هم‌زبانی با ملت باید راهی برای شکست این یخ‌زدگی و ایجاد امید اجتماعی بیابد.

امید که جبهه اصلاح‌طلبان بتواند گام دوم را نیز با موفقیت و بدون افتادن از نفس بردارد. به امید سرافرازی جمهوری اسلامی ایران و سربلندی ملت ایران.

ادامه از صفحه اول

چالش حقوقی پروژه‌کردن سهم

- سفارش‌چینی با حجم کم و تعداد زیاد در قیمت‌های متفاوت در یک جلسه معاملاتی که منجر به ترغیب دیگران به انجام معامله یا تأثیرگذاری بر روند عرضه، تقاضا یا قیمت شود.

- حذف یا ویرایش تمام یا بخشی از سفارش‌ها یا تغییر اولویت در صف پس از سفارش‌چینی مکرر.

- سفارش‌چینی در جهت ترغیب دیگران و حذف سفارش وارده پس از ورود سفارش‌های سایر اشخاص و اقدام به انجام معامله در سمت دیگر توسط یک یا چند شخص به‌صورت هماهنگ.

- ورود سفارش خرید یا فروش بالاتر یا پایین‌تر از مظنه‌های فروش یا خرید جاری بازار که به قصد ایجاد روند صعودی یا نزولی در قیمت اوراق بهادار یا کالا باشد.

اینها مواردی از تخلفات پرتکرار معاملات است که در واقع همان پروژه‌کردن سهم است. شاید عنوان تخلف، این ذهنیت را به وجود آورد که این اقدامات ضمانت اجرای خفیفی دارد؛ درحالی‌که به موجب بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، هر شخصی که اقدامات وی منجر به نتایج فوق شود، به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی محکوم می‌شود. البته مصادیق فوق حصری نیست و ممکن است مصادیق دیگری هم یافت شود. همچنین این تخلفات از جرائم مقید است؛ یعنی حتما باید منجر به نتیجه ایجاد ظاهر گمراه‌کننده یا ایجاد قیمت‌های کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات شود. مصادیق مطرح‌شده، مصادیق دستکاری مبتنی بر معاملات محسوب می‌شود؛ یعنی عمل غیرقانونی جهت کاهش یا افزایش قیمت اوراق بهادار در بازار. هدف از دستکاری نیز تغییر دیدگاه فعالان بازار از قیمت‌های واقعی است. دستکاری مبتنی بر معاملات از طریق خرید یا فروش اوراق بهادار انجام می‌شود؛ یعنی عده‌ای از فعالان بازار قیمت‌ها را در جهت منافع خود و کسب سود دستکاری می‌کنند. تعیین مصادیق اعمال مجرمانه که ضمانت اجرائی کیفری دارد، از سوی سازمان یا شورا برخلاف اصول قانون‌گذاری است؛ به‌ویژه ماده ۲ قانون مجازات اسلامی که اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها را بیان می‌کند. به موجب این ماده، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود. همچنین به موجب ماده ۱۲ این قانون، حکم به مجازات باید به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. بنابراین این‌گونه آزادی در تعیین مصادیق برخلاف حقوق اشخاص است. نکته دیگر اینکه هرچند امکان تعیین مصادیق پرتکرار وجود دارد ولی احصای همه آن موارد امکان‌پذیر نیست؛ زیرا همواره راهکارهای جدیدی برای انجام تخلف پیدا می‌شود. برای مثال، افراد با کدهای مختلف وارد می‌شوند و امکان شناسایی و احراز موضوع در بسیاری از موارد وجود نخواهد داشت. البته از جهت آموزشی نیز بهتر بود مصادیق عینی در سایت سازمان به‌صورت مثال آورده شود. برای مثال، سفارش‌چینی با حجم سنگین و غیرمتناسب با عرضه و تقاضا تا چه حدی باید باشد تا غیرمتناسب تلقی شود؟ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعیین مصادیق عینی با مقام رسیدگی‌کننده است؛ اما امکان ارائه طریق وجود دارد. درنهایت پیشنهاد می‌شود با تقویت معاونت حقوقی و رصد مصادیق تخلفات در این راستا، نظر وکلا و حقوق‌دانان مرتبط برای پیشروبودن در کشف مصادیق اعمال شود. همچنین در اعلام تخلفات به دستگاه قضائی و پیگیری موارد مجرمانه و رسیدگی تخلفات در درون سازمان نیز این پیشروی وجود داشته باشد.

*** وکیل پایه‌یک دادگستری و مدرس دانشگاه**

مجوز واردات واکسن کرونا به بخش خصوصی محل بحث و پرسش فراوانی شده است

تبعیض واکسنی یا دورزدن تحریم‌ها

شرق: ویروس کرونا که روزگاری «ویروس عادل» خوانده می‌شد، در توصیف می‌گفتند فقیر و غنی و شاه و رعیت نمی‌شناسد، حالا افسانه عدالتش از بین رفته و فرودستان را بیش‌ازپیش از نشانه رفته است. با گذشت بیش از ۱۵ ماه از سربرآوردن ویروس کرونا و بیماری کووید۱۹ حالا تمام آمار و اطلاعات از تأثیرپذیری بیشتر کشورهای ضعیف‌تر و همچنین گروه‌های ضعیف‌تر در یک کشور، استان یا شهر حکایت دارد. گروه‌ها و افراد توانمند نه‌تنها در پیشگیری توان بیشتری داشتند که حتی در دسترسی به بیمارستان و مراقبت‌های پس از ابتلا و حالا در دسترسی به واکسن دست بالاتر و توان بیشتری داشتند و همچنان این تبعیض هم ادامه دارد. در ایران اگرچه تلاش‌هایی ازسوی نهادهای حمایت‌گر انجام شده اما به نظر می‌آید این نابرابری در مقابله با ابتلا و همچنین مراقبت پس از ابتلا و حالا در دسترسی به واکسن رخ داده و اگر نظارت دقیقی صورت نگیرد، بازهم ادامه پیدا خواهد کرد. بحث مهم این روزها مجوز واردات واکسن کرونا به بخش خصوصی است؛ پرسش‌ها حالا درباره شیوه توزیع این واکسن وارداتی ازسوی بخش خصوصی جدی است و به نظر می‌آید تاکنون تصمیمی جدی دراین‌باره هم لحاظ نشده است. به‌تازگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هم در گزارشی پژوهشی به این موضوع پرداخته و نسبت به افزایش تبعیض هشدار داده است.

عکس: مریم کامیاب، مهر

واکسن‌های وارداتی در اختیار دولت قرار گیرد

با توجه به نیاز کشور به واردات واکسن، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی به‌ویژه در شرایط تحریم، به‌عنوان کمک بخش دولتی می‌تواند مؤثر باشد اما تمام واکسن‌های وارداتی باید در اختیار دولت قرار گیرند و براساس سند ملی واکسیناسیون و به‌طور رایگان به مردم تزریق شوند؛ این بخشی از گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس است که در آن ادامه است:

ویروس کووید۱۹ تاکنون حدود ۱۵۰ میلیون نفر را در دنیا مبتلا کرده و منجر به مرگ بالغ بر سه‌میلیون و ۱۵۰ هزار نفر شده و همچنان درحال گسترش است. کشورهای مختلف مجموعه‌ای از اقدامات را برای مقابله با گسترش این بیماری و عواقب ناشی از آن به کار بسته‌اند. برنامه‌ریزی برای تأمین و توزیع واکسن، به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در مقابله با گسترش این بیماری و پیشگیری از آن، از همان ماه‌های ابتدایی در دستور کار کشورها قرار گرفته است. تاکنون کشورها با گذشت حدود یک سال از بیماری، واکسیناسیون را آغاز کرده‌اند، پیشرفت‌هایی نیز در این زمینه حاصل شده است. تقویب این راهکار برای ایران نیز که با موج جدیدی از بیماری و میزان قابل‌توجهی ابتلا و مرگ ناشی از بیماری مواجه شده است، اهمیت بسیاری دارد. با وجود این، برنامه واکسیناسیون در کشورمان به میزان کافی پیشرفت نداشته و لذا لازم است، دولت تدابیر لازم را جهت تسریع واکسیناسیون جمعیت به کار بندند. بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی به‌منظور واردات این کالا یکی از راهکارهای تسریع تأمین واکسن برای جمعیت است و البته این راهکار مخالفان و موافقانی دارد. در ادامه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان بررسی موضوع واردات واکسن کووید۱۹ ازسوی بخش خصوصی، ضمن تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی به مواردی در مورد زمینه‌سازی فساد و تقلب به دلیل ضعف نظارت، واکسیناسیون گروه‌های داوطلب و ایجاد تبعیض نیز اشاره داشته است. با توجه به مقدمات یادشده به نظر می‌رسد ورود بخش خصوصی به موضوع واردات واکسن کووید۱۹ با پیچیدگی‌هایی بیش از واردات سایر کالاها و خدمات دارویی روبه‌رو است. ازاین‌رو ضرورت دارد در زمینه همکاری این بخش با دولت نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱- با توجه به نیاز کشور به واردات واکسن، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی به‌ویژه در شرایط تحریم، به‌عنوان کمک بخش دولتی می‌تواند مؤثر و کمک‌کننده باشد.

۲- هرگونه تزریق واکسن خارج از سند ملی واکسیناسیون و براساس پرداخت هزینه می‌تواند باعث احساس تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه شود و این امر هم مسئولیت‌پذیری مردم را در مبارزه برای ریشه‌کنی بیماری از طریق رعایت بهداشت فردی تحت تأثیر قرار خواهد داد و هم سرمایه اجتماعی حاکمیت را به‌شدت آسیب‌پذیر خواهد کرد. بنابراین نوع همکاری بخش خصوصی و دولت چه درواقع امر، چه در کلام مسئولان، چه در بازنمایی‌های رسانه‌ای باید به‌عنوان «بخش خصوصی به‌مثابه بازوی حمایتی دولت» تعریف شود و از استعاره‌هایی چون «شریک تجاری‌بودن دولت و بخش خصوصی»، «مشتری‌بودن مردم برای بخش خصوصی در زمینه واکسیناسیون»و... به‌شدت پرهیز شود.

۳- باید توجه داشت که واردات به‌عنوان مسیر موازی تولید واکسن در فاز اول واکسیناسیون است. بنابراین ضرورت دارد مسیر تولید به‌صورت رقابتی و فعال هموار شود و شرکت‌های تولیدکننده در عین رعایت اخلاق رقابتی، تلاش کنند هرچه سریع‌تر به موفقیت جمعی در این زمینه دست یابند یا همین رویکرد، برنامه‌ریزی برای صادرات این محصول استراتژیک در دستور کار وزارت بهداشت قرار داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- توزیع واکسن باید صرفا توسط دولت (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، در چارچوب سند ملی واکسیناسیون کشور و به‌صورت رایگان و عمومی صورت گیرد. در همین راستا:

بخش خصوصی تنها در واردات محصول و نه در هیچ‌یک از مراحل دیگر به‌عنوان بازیگر حامی حضور خواهد داشت. تمام واکسن‌های واردشده ازسوی بخش خصوصی، ضمن ثبت در سامانه تأمین و توزیع وزارت بهداشت، جهت توزیع در اختیار دولت (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) قرار گیرد.

سازوکار نظارت بر قیمت و کیفیت محصولات ازسوی وزارت بهداشت باید به‌صورت شفاف و تعریف‌شده باشد؛ به‌طوری‌که قیمت و کیفیت واکسن‌های وارداتی ازسوی بخش خصوصی را تضمین کند. باید توجه داشت که هر نوع واکسن وارداتی، چه ازسوی بخش خصوصی و چه ازسوی بخش دولتی، باید با نظارت دقیق بر قیمت و کیفیت توسط وزارت بهداشت و طبق سند ملی واکسیناسیون تزریق شود.

بخش خصوصی تنها بازوی حمایتی برای واردات و دورزدن تحریم‌ها باشد و دولت با تکیه بر سیاست‌های رفاهی -به‌صورت ویژه اختصاص بودجه برای واکسیناسیون ملی- به‌عنوان متولی تأمین سلامت میان مردم و بخش خصوصی حضوری فعال داشته باشد.

۲- مجموعه بهداشت و درمان کشور باید به‌صورت مدون و برنامه‌ریزی‌شده به تسهیل‌گیری در فعالیت مجموعه‌های تولیدکننده و واردکننده واکسن بپردازد و از ایجاد فضای رقابتی میان این مجموعه‌ها جلوگیری کنند، در همین راستا:

دولت برنامه خود (مشتمل بر زمان‌بندی و سقف واردات) جهت استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در واردات واکسن کووید۱۹ را متناسب با ورود واکسن‌های داخلی به برنامه توزیع واکسیناسیون کشور، اعلام کند. میزان دوز واکسن وارداتی باید براساس برنامه وزارت بهداشت درخصوص واردات واکسن باشد.

ادامه از صفحه اول

دعوت از سیلاب‌های مرگ‌بار

برخلاف تصور عموم تندسیلاب‌هایی که در حوضه‌های کوچک و به‌سرعت جاری می‌شوند، بیشترین خطرات از نظر تلفات انسانی را ایجاد می‌کنند و تندسیلاب مرداد ۱۳۶۶ تجریش با ۳۰۰ کشته و تندسیلاب دروازه‌قرآن شیراز در فروردین ۱۳۹۸ شاهد این مدعا است. در چهارم مرداد سال ۱۳۶۶ حدود ۲۸ میلی‌متر بارندگی در ۱۰۷ دقیقه باعث شد تا ۳۰۰ کشته در تهران برجای بماند و پس از سیلاب سال ۱۳۸۰ رودخانه گرگان‌رود با ۴۰۰ کشته، رتبه دوم پرتلفات‌ترین سیل ایران را به خود اختصاص دهد. برای اینکه بزرگی و شدت سیلاب ۱۳۶۶ گلاب‌دره و دربند مشخص شود، می‌توان آمار تلفات ناشی از سیلاب‌ها و توفان‌های دریایی کشور ژاپن را برای مقایسه کلان در نظر گرفت. این کشور همه عوامل سیلاب‌ها و توفان‌های فاجعه‌بار را دارد: بارش‌های شدید، زمین‌شناسی ضعیف، حوضه‌های کوچک کوهستانی و شیب زیاد رودخانه‌ها، توفان‌های دریایی مهیب و جمعیت زیاد متمرکز در سیلاب‌دشت. با همه این موارد تعداد متوسط تلفات انسانی سیلاب‌ها در این کشور در ۳۰ سال گذشته ۷۴ نفر در سال گزارش شده که بیشتر این تلفات هم ناشی از زمین‌لغزش‌ها بوده تا جریان سیلاب.

بنابراین تلفات سیلاب ۱۳۶۶ گلاب‌دره و دربند معادل تلفات انسانی ناشی از سیلاب‌ها و توفان‌های دریایی در کل ژاپن در چهار سال بوده و در همین چارچوب ریسک تندسیلاب‌های گلاب‌دره و دربند و رودره‌های دیگر تهران را باید خیلی جدی گرفت. در جریان سیلاب سال ۱۳۶۶ در مدت کوتاهی سیلاب عظیمی به حرکت درآمد و صدها تن گل‌ولای و سنگ را در مسیر رودخانه گلاب‌دره و رودخانه دربند به سمت میدان تجریش به حرکت درآورد.

سیلاب پس از ورود به گلاب‌دره، خیابان‌های دربند و ازطریق خیابان جعفرآباد و خیابان دربند و خیابان ثبت یا شهرداری و کوچه ناودانک و تابش به سمت تجریش حرکت کرد و در طول مسیر به خانه‌ها و خودروها خسارت فراوان وارد کرد تا به میدان تجریش و میدان قدس رسید. از میدان قدس به خیابان شریعتی وارد شده و تا حوالی میرداماد پیش رفت. در میدان تجریش بخشی از سیلاب به درون زیرگذر درحال ساخت وارد شد و بخشی دیگر داخل تکیه بزرگ تجریش و راهروی بازار تجریش شد که به مغازه‌های داخل تکیه و بازارچه و مغازه‌ها آسیب رساند. سیلاب سپس وارد مسجد همت تجریش و داخل حرم امامزاده شد. پس از آن با ورود به کوچه‌های اطراف حرم و مسجد همت به منازل آن محدوده نیز آسیب‌های فراوانی وارد کرد. نمازگزاران مسجد همت درحال اقامه نماز با ورود سیل به مسجد مواجه شدند. شاهدان عینی می‌گویند تمام محوطه داخل مسجد از سیلاب و گل‌ولای انباشته شد، به‌نحوی‌که مردم از کتابخانه‌ها و ستون‌ها و منبر برای حفظ جان خود بالا رفتند و با شکسته‌شدن دیوار جنوبی مسجد سیلاب از آن سمت خارج شد و فروکش کرد.

از سمت دیگر میدان گل‌ولای به طرف بیمارستان شهدا از سمت شرق و ورودی خیابان مقصودبیگ و ولی‌عصر در سمت جنوب و غرب نیز پیشروی کرد. پس از این سیل، میدان تجریش به مدت دو ماه بسته بود و عملیات پاک‌سازی و بازسازی آن ادامه داشت. تا مدت‌ها نیز قطعه‌سنگ بزرگی وسط میدان تجریش وجود داشت که یادبود همان سیل بود؛ بعدتر در سال‌های ۸۱-۸۲ این قطعه‌سنگ توسط شهرداری چهارتکه شده و با جرثقیل به خارج میدان حمل شد. نکته مهم درباره سیلاب سال ۱۳۶۶ تجریش واریزه‌ای بودن آن سیلاب است. سیلاب‌های واریزه‌ای یکی از خطرناک‌ترین سیلاب‌هاست که عمدتا به‌طور ناگهانی رخ می‌دهد و خسارات بسیار هنگفتی را به بار می‌آورد. این جریان‌ها ازجمله خطرات طبیعی مناطق پرشیب و کوهستانی سراسر جهان به‌شمار می‌رود که دارای بار رسوبی زیادی است. سیلاب‌های واریزه‌ای حاوی ذرات رس و سیلت تا قلوه‌سنگ، درختان بزرگ یا بخش‌هایی از ساختمان هستند. این جریان با سرعت زیاد حرکت کرده و به‌دلیل وزن مخصوص و بار رسوبی بسیار بالا (دارای ۷۰ تا ۹۰ درصد بار رسوبی) قدرت تخریب بالایی داشته و می‌تواند قلوه‌سنگ‌هایی بسیار بزرگ و سنگین را در مسیر جریان حمل کند (مانند همان سنگ یادبود سیل تجریش که با چهار جرثقیل به بیرون میدان حمل شد). عوامل مؤثر در تشکیل جریان‌های واریزه‌ای عبارت‌اند از: وجود شیب‌های تند، پوشش گیاهی تنک، وجود سنگ فراوان همراه ذرات نرم و سنگ‌های دانه‌ریز و وجود رطوبت کافی و متناوب. درس‌های سیلاب مردادماه ۱۳۶۶ تجریش را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

- مطابق با تجارب جهانی مدیریت سیلاب، علت اصلی تلفات ۳۰۰ نفری این سیلاب واریزه‌ای‌بودن سیلاب، کوچک‌بودن حوضه، زمان تمرکز کم و عدم وجود سامانه پیش‌بینی و هشدار سیل و همچنین طرح عملیاتی شرایط اضطراری بوده است.

- واریزه‌ای‌بودن این سیلاب به‌شدت تلفات و خسارات این سیلاب را افزایش داده است (جابه‌جایی سنگ‌هایی عظیم در جریان این سیلاب نماد قدرت سیلاب‌های واریزه‌ای است).

حال با این تجارب تلخ بد نیست نگاهی به کوه چین‌کلاغ در فاصله چند کیلومتر گلاب‌دره و دربند داشته باشیم. معدن سنگ بزرگی تحت عنوان معدن سنگ سعادت‌آباد در این محدوده درحال بهره‌برداری است. درست قبل از این معدن جنگل‌کاری علامه انجام شده و خوشبختانه با دیدگاه درازمدت هزاران درخت زیبایی خاصی به این منطقه داده‌اند. با مقدمه‌ای که در مورد سیلاب ۱۳۶۶ تجریش ارائه شد، اجازه سنگ‌برداری در وسعت حاضر (حدود ۲۰ هکتار) به معنای دعوت از تندسیلاب واریزه‌ای است! مثل آن است که شب‌هنگام در گردنه‌های جاده قدیم چالوس با سرعت صد کیلومتر و با چراغ خاموش رانندگی کنیم! تفاوت فقط زمان وقوع فاجعه است (در کمتر از یک ساعت تصادف صورت می‌گیرد ولی سیلاب ممکن است سال بعد یا چند دهه دیرتر روی دهد). سنگ‌برداری‌های انجام‌شده موجب تخریب پوشش طبیعی شده و احتمال وقوع سیلاب واریزه‌ای را به‌شدت افزایش داده است.

اصلا همین الان هم مسیر رودره‌های چین‌کلاغ به طرف درکه و به طرف کوی فراز از قطعه‌سنگ‌های همان معدن سنگ پوشیده شده است. جدا از افزایش مخاطرات سیلاب، صدها نسل بعدی حق دارند از محیط زیبای کوهستان‌های تهران استفاده کنند و متأسفانه اثرات تخریبی معدن فوق از فاصله چندکیلومتری کاملا مشخص است و معلوم نیست سازمان محیط زیست، سازمان مدیریت بحران تهران و شهرداری تهران که تنها چند کیلومتر از این معدن فاصله دارند چرا از افزایش مخاطرات تخریب کوه چین‌کلاغ و افزایش احتمال تندسیلاب‌های واریزه‌ای به‌راحتی می‌گذرند. در کل حوضه‌های رودره‌های پرشیب شمال تهران زمان تمرکز کمی داشته و پوشش گیاهی بسیار پراکنده‌ای دارند و جمعیت عظیمی نیز در پایین‌دست این رودره‌ها زندگی می‌کنند. سازه‌های ذخیره‌ای یا سامانه هشدار سیلاب هم در این حوضه‌ها وجود ندارند. براساس تجربه سیلاب ۱۳۶۶ تجریش، پتانسیل وقوع سیلاب‌های واریزه‌ای در این رودره‌ها هم بسیار بالا است. با توجه به موارد فوق و براساس ۳۰ سال تجربه حرفه‌ای و علمی، توصیه‌های زیر به مسئولان و سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه می‌شود:

۱- با توجه به جمعیت عظیم تهران هم از دیدگاه منظر و گردشگری و هم از دیدگاه جلوگیری از سیلاب‌های واریزه‌ای لازم است پوشش گیاهی کوه‌های تهران تقویت شوند. تجربه بسیار موفق درختکاری در پنج‌هزارو ۶۰۰ هکتار کوه عینالی تبریز -شهر اولین‌ها- می‌تواند بسیار الهام‌دهنده باشد. این درختکاری‌ها از فاصله ۲۰ تا ۳۰ کیلومتری هم قابل‌تشخیص است. نکته مهم درباره پروژه عینالی تبریز ساخت نیروگاه‌های بادی برای تأمین انرژی لازم برای پمپاژ آب برای طرح درختکاری و انتقال آب به دریاچه مصنوعی داغ‌گلی است. طرح عینالی را می‌توان به‌عنوان یک طرح نمونه برای توسعه پایدار در شهرهای دیگر استفاده کرد. تجارب طرح عظیم کاشت ۱۰ میلیارد درخت در پاکستان که در فاز اول یک میلیارد درخت کاشته شده و در تصاویر ماهواره‌ای هم قابل مشاهده است نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. خلاصه به‌جای تخریب کوه‌های زیبای تهران به وسیله بلدوزر و بیل مکانیکی باید این کوه‌ها را سبز کرد. درباره مدیریت سیلاب، عملیات آبخیزداری نیز باید به جد در دستور کار قرار گیرد.

۲- ضمن توقف سریع فعالیت معدن سنگ سعادت‌آباد، باید راهکارهای لازم برای کاهش اثرات تخریب‌های صورت‌گرفته در دستور کار قرار گیرد.

۳- نسبت به تخریب‌های معدن سنگ، موتورسواران کوهستان آسیب‌های کمتری به کوه‌ها وارد می‌کنند ولی بازهم مناسب است که این موتورسواران سامان‌دهی شده و فقط در یک بخش محدود اجازه فعالیت داشته باشند.

۴- سامانه‌های پیش‌بینی و هشدار سیلاب باید برای رودره‌های تهران در اسرع وقت راه‌اندازی شوند. پیش‌نیاز موفقیت این سامانه‌ها، تدوین طرح‌های عملیاتی شرایط اضطراری است. کارکرد اصلی طرح‌های عملیاتی شرایط اضطراری ذخیره زمان، اطلاعات و دانش برای زمان اضطرار است. در دهه‌های اخیر روش‌های غیرسازه‌ای محور اصلی مدیریت سیلاب در کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند. تونل دومنظوره و ۱۰ کیلومتری اسمارت برای انحراف سیلاب و حمل‌ونقل در کوالالامپور، پایتخت مالزی، نمونه‌ای بسیار موفق از کارایی و اثربخشی روش‌های غیرسازه‌ای است. در سال ۲۰۱۲، در جریان یک سیلاب صدساله (بارش ۲۳۸ میلی‌متر در پنج ساعت!)، تمامی اجزای سیستم به‌خوبی کار کردند و در ظرف چند ساعت ماشین‌ها از تونل خارج شدند و تونل برای انحراف سیلاب به کار گرفته شد.

۵- در دهه‌های اخیر ساماندهی طبیعت‌محور رودخانه‌ها و به‌خصوص رودخانه‌ها شهری مورد تأکید خاص بوده است. شهرداری تهران نیز یک سمینار علمی در این زمینه برگزار کرده است ولی اکنون وقت آن است تلاش شود تا حداقل برخی راهکارهای ساماندهی طبیعت‌محور رودخانه‌ها در رودره‌های تهران اجرائی شوند.

*** نایب‌رئیس کمیسیون بین‌المللی آبیاری و زهکشی**
رئیس کارگروه بین‌المللی مدیریت تطبیقی سیلاب

خبر

اطلاعیه وزارت صنعت، معدن و تجارت در راستای فرامین مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

• وزارت صنعت معدن و تجارت در راستای فرمایشات و فرامین مقام معظم رهبری درخصوص تعطیلی واحدهای تولیدی، در اطلاعیه‌ای ضمن تأکید بر ضرورت همراهی و همکاری دستگاه‌هایی مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی و سازمان برنامه‌وبودجه در اجرای این فرامین، بر اجرای برنامه‌های این وزارتخانه در جهت تحقق شعار سال با قوت و ابعاد وسیع‌تری در سال جاری تأکید کرد.

وزارت صمت در راستای فرمایش‌های مقام معظم رهبری در ۱۲ اردیبهشت، در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است این وزارتخانه خود را مکلف به استفاده از همه ابزارها و اختیارات قانونی خود در مسیر تولید و جلوگیری از توقف فعالیت واحدهای تولید کشور می‌داند.

متن کامل این اطلاعیه به شرح زیر است: مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ و در بیانات قاطع و ارزشمندی بیان داشتند «افرادی که به علت منافع شخصی خود و برای استفاده از زمین و ارزش افزوده آن، کارخانه‌ها را به تعطیلی می‌کشانند، بدانند که مرتکب کار باطل و حرام شده‌اند و این کار، خیانت به مردم و کارگران و استقلال و اقتصاد کشور و ضربه به تولید ملی است».

لذا این وزارت به‌عنوان یکی از مخاطبین اصلی فرمایشات معظم‌له خود را مکلف می‌داند با استفاده از تمام ابزارها و اختیارات خود از جمله ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در این مسیر گام‌های جدی و مؤثر برداشته و ضمن پیگیری برای رفع موانع تولید و پشتیبانی از این بخش، از تعطیلی بنگاه‌ها جلوگیری کرده و زمینه احیای مجدد واحدهای تولیدی تملیکی یا واگذارشده که به هر نحو غیرفعال شده‌اند را فراهم کند.

در کنار این رویکرد راهبردی که بر مبنای فرمایشات ایشان ترسیم شده و مورد پیگیری قرار می‌گیرد، براساس شعار سال «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»، ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در ۱۱ فروردین طی بخش‌نامه‌ای به کلیه استانداران ابلاغ کرد، تعطیلی فعالیت بنگاه‌های تولیدی و یا توقف روند تکمیل طرح‌های سرمایه‌گذاری، به‌دلیل مانع‌تراشی‌ها، مداخلات غیرضرور و یا ایجاد موانع توسط دستگاه‌های اجرائی و بانک‌های عامل دراستان‌ها به‌هیچ‌عنوان قابل پذیرش نبوده و کارگروه‌های استانی و به‌ویژه رؤسای کارگروه‌ها در این رابطه، مسئولیت مستقیم دارند تا از بروز این رخداد در سطح استان‌ها، به‌جد جلوگیری کند.

همچنین با توجه به دریافت گزارش رسمی بانک مرکزی از وضعیت واحدهای تملک‌شده از سوی نظام بانکی و ضرورت تعیین تکلیف آنها، برنامه‌ریزی برای احیای واحدهای غیرفعال در دستور کار وزارت صنعت، معدن و تجارت و ستاد قرار گرفته که بعد از نهایی‌شدن و تصویب آن، اطلاع‌رسانی لازم صورت می‌پذیرد. برای تحقق کامل این امر مهم، همراهی و همکاری دستگاه‌هایی چون وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه ضروری است تا موانع احیای این بنگاه‌ها در حوزه مالیات، بیمه و تسهیلات بانکی مرتفع شده و از تعطیلی بنگاه‌های فعلی نیز جلوگیری شود. لذا این وزارت با توجه به شعار سال و طی رایزنی و تعامل با بخش خصوصی، انجمن‌ها و تشکل‌ها، بسته پیشنهادی رفع موانع و پشتیبانی از تولید، احیای واحدهای راکد و جلوگیری از تعطیلی واحدهای فعلی را تهیه کرده که مراحل نهایی برای تصویب در دولت و مجلس را طی می‌کند.

در این رابطه همکاری اثربخش قوه قضائیه با ستاد تسهیل و رفع موانع تولید که در قالب کمیته حمایت قضائی از تولید و سرمایه‌گذاری و حضور فعال در ستاد متبلور شده است، نویدبخش پشتیبانی این قوه برای اجرای قوانین و مقررات حمایتی بخش تولید بوده تا برخی موانع نیز با همراهی قوه قضائیه مرتفع شود.

در خاتمه تأکید می‌گردد، با توجه به سیاست‌های ابلاغی ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، اقدامات وزارت صنعت، معدن و تجارت و برخی تعاملات صورت‌گرفته بین دستگاه‌ها، در سال ۱۳۹۹ موانع بیش از هزارو ۵۰۰ واحد راکد و غیرفعال مرتفع و این واحدها مجددا به چرخه تولید بازگشته‌اند.

لذا با توجه به فرامین مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و با هدف تحقق شعار سال، این برنامه با قوت و ابعاد وسیع‌تری در سال جاری دنبال می‌شود تا علاوه بر جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی، زمینه توسعه استقلال کشور و افزایش تولید ملی فراهم شده و اشتغال و ارزش افزوده بیشتری نصیب کشور سربلند ایران شود.